



۱۰۵۳۸۰



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی متناقض‌نما در آثار عطار نیشابوری

استاد راهنما:

دکتر تیمور مالمیر

استاد مشاور:

دکتر نسرین علی اکبری

۱۳۸۷ / ۲ / ۷

دانشجو:

خاور قربانی

پاییز ۸۳

۱۰۵۳۸۰

شماره :

مربوط به دفاع از پایان نامه

تاریخ: ۸۳/۹/۱۴

مدیر محترم گروه

بدینوسیله به اطلاع می رساند جلسه دفاع از پایان نامه خواهر ~~ابلیسر~~ **خاور قربانی** دانشجوی کارشناسی ارشد **زبان و ادبیات فارسی** به شماره دانشجویی **۲۰** تحت عنوان

بررسی متناقضات در آثار عطار نیشابوری

با حضور اعضای کمیته پایان نامه در تاریخ ۸۳/۹/۱۴ در محل **کتابخانه** تشکیل و براساس محتوی و چگونگی ارائه پایان نامه با نمره **۲۰** و با درجه عالی مورد تصویب اعضای کمیته قرار گرفت. خواهشمند است دستور فرمائید مراتب جهت اطلاع و اقدام به معاونت تحصیلات تکمیلی دانشگاه اعلام گردد.

محل امضاء اعضای کمیته پایان نامه :

۱. آقای دکتر تیمور مال میر
۲. خانم دکتر نسرين علی اکبری
۳. آقای دکتر علی ضیا حاجی نژاد
۴. آقای دکتر عباس اطمینانی

استاد راهنما
 استاد مشاور
 هیأت داور
 هیأت داور

استاد راهنما:

تاریخ:

تقدیم به دو شمع زندگی

پدر و مادر مهربان و بی مانندم،

آنان که عاشقانه سوختند تا روشنگر راهم باشند

به حرمت رنجهایشان و به پاس زحماتشان.

و به خواهران و برادران عزیزتر از جانم،

آنان که دلهایشان آکنده از عشق و معنویت است.

سپاس یگانه معلم هستی را

بر خود لازم می دانم که نهایت سپاس و قدر دانی را نسبت به استاد بزرگوار، نکته سنج و بی مانندم جناب آقای دکتر مالیر ابراز نمایم و درایت، سعه صدر و راهکارهای سودمند ایشان را در این مدت ارج نهم. در واقع اگر این پایان نامه حسنی داشته باشد مرهون دقت نظر و نکته سنجی ایشان است.

از استاد ارجمند و بزرگوارم، سرکار خانم دکتر علی اکبری که با تقبل مشاورت این پایان نامه مرا مرهون محبتهای خود فرمودند و در این مدت مزا از مشورتهای مفید و ارزنده خویش بهره مند ساختند نهایت سپاس و قدر دانی را دارم.

از اساتید محترم داور جناب آقای دکتر حاجیان نژاد و جناب آقای دکتر اطمینانی که داوری این پایان نامه را تقبل فرمودند کمال تقدیر و تشکر را دارم.

ضمناً مراتب تشکر و تقدیر را نسبت به تمامی استادان محترم گروه که به شاگردیشان مفتخر بودم و دوستان عزیزم خانمها فاطمه صالحی، طاهره کوچکیان، معصومه رضایی، فریبا ملکی، فاطمه آبرود، تهمنه محمودیان، زهره رحمتی، زیبا میرزا محمدی، و آقایان هادی دهقانی، محمد صالح امیری، محمد هنرور و مختار محمدی که در این مدت مرا در این راه همراهی نمودند، ابراز می دارم.

در پایان سپاس نثار خانواده عزیزم؛ پدر، مادر، خواهران و برادرانم که راه تحصیل را بر من هموار کردند و در این راه زحمات بی شماری را به جان خریدند.

چکیده

متناقض‌نما کلامی است که به دلیل عدول از هنجار متعارف زبان، متناقض و گاهی مهمل به نظر می‌آید. این عادت شکنی موجب اعجاب و شگفتی مخاطب می‌گردد، ذهنش را لحظه‌ای با مقوله‌ای خلاف عادت و انتظار درگیر می‌کند و او را به جستجوی راز نهفته‌ای وامی‌دارد. تا در نهایت متوجه می‌گردد که کلام متناقض نما در عین متناقض بودن، متناقض نیست. بر اساس تعریف ارائه‌شده، متناقض‌نما در هشت اثر عطار، به این ترتیب بررسی شده است: نخست روساخت متناقض‌نمای آن که شامل اجتماع، ارتفاع و همنشینی متناقض‌نماست، تحت عنوان متناقض‌نمای زبانی آورده‌شده و انسجام زبانی آنها، در هفت ساختار نشان داده شده است. این ساختارها عبارتند از: (۱) ساختار ترکیبات متناقض‌نما (۲) ساختار نسبت نقیضین به یک موضوع (۳) ساختار تناسب نقیضین در جمله‌های مرکب (۴) ساختار سلب نقیضین از یک موضوع (۵) ساختار علی و معلولی نقیضین (۶) ساختار عینیت نقیضین (۷) ساختار منادای متناقض میزان درصد فراوانی این ساختارها در مجموعه متناقض‌نما بدین ترتیب است:

۲۱٪، ۱۶٪، ۱۸٪، ۱۵٪، ۸٪، ۲۰٪، ۲٪

در این بررسی علاوه بر طبقه‌بندی، ساختار زبانی متناقض‌نما هم توصیف شده است. در قسمت دوم، پس از ارائه واقعیت و تفکر سازنده - ژرف ساخت آنها - متناقض‌نماهایی از قبیل: «نیست هست»، «نه نیست نه هست»، «مرده زنده»، «ظاهر باطن» و... و اشاره به سایر نمودهای زبانی آنها، عوامل سازنده این متناقض‌نماها بررسی شده است. برخی از آنها، ناشی از تفکرات کلامی عطارند، به این گروه در قالب یک قضیه منطقی متشکل از موضوع و محمول پرداخته‌ایم. متناقض‌نمای موضوعی، عنوانی برای این ترفند ادبی در گستره شناخت حقیقت خداوند است که متضمن شواهدی مانند «یافتن نایافتن» و «در جستجوی گم‌ناشده» می‌باشد و متناقض‌نمای محمولی مربوط به اسما و صفات حق تعالی است که با بررسی برخی از صفات جلال و جمال حق نشان داده است. گروه دیگری از این متناقض‌نماها برخاسته از تفکرات عرفانی هستند که آنها را زیرمجموعه وحدت وجود آفاقی و انفسی قرار داده‌ایم و متناقض‌نماهای زبانی مربوط به وحدت آفاقی را در دو مرحله «انحلال کثرات» و «وحدت کثرات» و انفسی را، در سه مقام «انحلال فردیت»، «فنا (خودیابی)» و «بقا» بررسی کرده‌ایم سپس عوامل سازنده برخی از آنها را چون «هست نیست»، «زنده مرده»، «کافر مسلمان» و... در اجتماع، اسطوره، کلام و عرفان نشان داده‌ایم. علاوه بر اینها، متناقض‌نمای «عقلاء مجانین»، بر اساس دیدگاه عاشقانه و اوضاع اجتماعی عطار توجیه شده است. همچنین میزان تأثیر زبان و تفکر در ساخت متناقض‌نما بررسی و روشن شده است که در آثار عطار تفکر نقش بیشتری در ایجاد متناقض‌نما دارد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول
	کلیات
۲	۱- مقدمه
۲	۲- تعریف اصطلاحات
۳	۱-۲- تناقض در منطق
۳	۲-۲- تناقض در ادب فارسی
۴	۳- تاریخچه بحث
۶	۴- روش کار
۷	
	فصل دوم
	توصیف ساختار زبانی متناقض نما
۱۰	۱- ساختار ترکیب نقیضین
۱۱	۱-۱- ترکیب اضافه با نقیضین با کسره
۱۱	۲-۱- ترکیب متناقض نما با «بی»
۱۴	۳-۱- ترکیب متناقض نما با «در»
۱۸	۲- ساختار نسبت نقیضین به یک موضوع
۲۱	۳- ساختار تناسب نقیضین در جمله‌های مرکب
۲۸	۴- ساختار سلب نقیضین از موضوع
۳۸	۵- ساختار علی و معلولی نقیضین
۴۳	۶- ساختار عینیت نقیضین
۴۷	

فصل سوم

متناقض نما در گزاره های کلامی عطار

۵۹

۱- متناقض نما در موضوع گزاره های کلامی

۶۰

۱-۱- یافتن نیافتن

۶۰

۱-۲- در طلب گم نشده

۶۲

۱-۳- جمع الجمع نقیضین در تفکر عطار

۶۳

۲- متناقض نما در محمول گزاره های کلامی

۶۴

ظاهر باطن

۶۵

۳- پیوند متناقض نما با کلام اسلامی

۶۹

۱-۳- تحلیل کلامی ظاهر باطن

۶۹

۲-۳- نفی ظاهر باطن از ذات خداوند

۷۱

۴- رحیم قهار

۷۲

۵- خافض رافع ، مخوف موجی

۷۵

۶- متناقض نمایی معجزات

۷۶

فصل چهارم

متناقض نماهای عرفانی (وحدت وجود)

۸۰

۱- شبلم تاریک روشن

۸۱

۲- انحلال فردیت

۸۲

۲-۱- انحلال و کسب فردیت در شکل عارفانه

۸۲

۲-۲- انحلال و کسب فردیت در شکل عاشقانه

۸۶

۲-۳- انحلال و کسب فردیت در قلندریات

۸۸

۳- پیر طفل سال

۹۱

۴- ساکن متحرک

۹۲

۵- انحلال کثرات

۹۳

۶- بقسا بعد از فنا و متناقض نما

۹۴

۷- فنا تلاشی برای روین تنی

۹۷

۹۸

۸- اجتماع سازنده متناقض نمای

۱۰۱

۹- تحلیل روانشناختی - کلامی « نیست هست »

فصل پنجم

۱۰۳

عقلاء مجانین

۱۰۷

دیوانه و عاشق

۱۰۸

دیوانگی و آزادی بیان در جامعه

فصل ششم

۱۱۱

تجلی تفکرات متناقض در صنایع ادبی

۱۱۵

منابع

فصل اول

کلیات

کلیات

۱- مقدمه

به نام آنکه ملکش بی زوال است
به وصفش نطق صاحب عقل، لال است

مفرح نامه جهانهاست نامش
سر فهرست دیوانهاست نامش

فریدالدین محمد بن ابراهیم، متخصص به عطار و فرید، از شاعران قرن ششم و هفتم هجری قمری است که در قریه کدکن متولد شد^۱ نه تنها درباره زندگی او اطلاعات دقیقی در دست نیست بلکه در مورد آثارش هم، تذکره نویسان سخنان مبالغه آمیزی گفته اند^۲، از میان کتابهایی که برشمرده اند، شش اثر او، الهی نامه، اسرارنامه، مصیبت نامه، منطق الطیر، دیوان و تذکره الاولیا جزء آثار مسلم او پذیرفته شده اند و آثاری چون بی سرنامه، اشترنامه، مظهر العجایب و ... به طور قطعی رد شده اند. برخی دیگر چون خسرونامه - داستانی عاشقانه در قالب مثنوی - جایگاهی بینابین دارند. در باب این اثر باید گفت، از قدیم جزء آثار مسلم عطار قلمداد شده، اما امروزه بر اساس تحقیقات دکتر شفیع کدکنی نسبت این اثر به عطار در نزد محققان منتفی است و در اکثر پژوهشهایی که اخیراً در مورد آثار واحوال عطار تحقق می یابد، سخنی از این اثر به میان نمی آید. ما علیرغم عقیده ایشان، بر اساس تحقیقی که در زمینه مطابقت سبک خسرونامه و آثار مسلم عطار انجام داده ایم - با تکیه بیشتر بر نمود متناقض نما در این اثر - می توانیم بگوییم که این اثر، در زمره آثار مسلم او پذیرفتنی است. بنابراین علاوه بر الهی نامه، اسرارنامه، منطق الطیر، مصیبت نامه، مختارنامه، دیوان و تذکره الاولیا، خسرونامه را هم به عنوان یکی از آثار مسلم عطار، شالوده و اساس این تحقیق قرار داده ایم. مشخصات کتابشناسی این آثار بدین قرار است:

- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **اسرارنامه**؛ تصحیح صادق گوهرین، چاپ سوم، زوار، تهران، ۱۳۸۱

- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **الهی نامه**؛ تصحیح فواد روحانی، زوار، چاپ چهارم، ۱۳۶۴

۱- در هیچ منبعی تاریخ وفات و تولدش به طور قطعی تعیین نشده است. هدایت زمان تولد او را در ریاض العارفین و مجمع الفصحا سال ۵۱۲، قاضی نورالله شوشتری ماه شعبان ۵۱۳ و استاد سعید نفیسی درست ترین تاریخ را ششم شعبان سال ۵۳۰ می دانند. (برای اطلاع بیشتر رک. بدیع الزمان فروزانفر، ۱۳۵۳، مقدمه)

۲- رضا قلیخان هدایت ۱۹۰ اثر، قاضی نورالله شوشتری ۱۱۴ اثر و دولت شاه ۴۰ اثر به او نسبت داده اند.

- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **تذکره الاولیاء**؛ تصحیح دکتر محمد استعلامی، زوار، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۶

- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **خسرو نامه**؛ تصحیح احمد سهیلی خوانساری، زوار، تهران، بی تا
- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **دیوان**؛ تصحیح تقی تفضلی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴

- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **مختار نامه**؛ با مقدمه جواد سلماسی زاده، مؤسسه فرهنگی اندیشه در گستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲

- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **مصیبت نامه**؛ تصحیح نورانی وصال، زوار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳
- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **منطق الطیر**؛ تصحیح صادق گوهرین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹.

- فریدالدین عطار نیشابوری؛ **منطق الطیر**؛ تصحیح حمید حمید، بی تا، بی جا

۲- تعریف اصطلاحات

۲-۱ تناقض در منطق

تناقض در منطق مفهومی عدمی است که عبارتست از: «اختلاف بین دو قضیه به نحوی که از صدق یکی کذب دیگری لازم آید یعنی از دو قضیه متناقض حتماً یکی صادق است و دیگری کاذب و صدق یا کذب هر دو محال است (محمد خوانساری، ۱۳۵۲: ۱۹-۱۱۸) مانند:

فردوسی شاعر رزمی است ~ فردوسی شاعر رزمی نیست

که در این دو قضیه فردوسی یا شاعر رزمی است یا شاعر بزمی. در منطق تناقض بین دو قضیه منظور است نه بین مفردات. دو قضیه متناقض باید در هشت چیز وحدت داشته باشند؛ ۱ و ۲- وحدت موضوع و محمول؛ مانند **فردوسی شاعر رزمی است** ~ **فردوسی شاعر رزمی نیست**. ۳- وحدت مکان؛ مانند **زمین در جلگه حاصلخیز است** ~ **زمین در جلگه حاصلخیز نیست** ۴- وحدت شرط؛ باید دو قضیه اگر مشروط باشند مشروطیشان یکی باشد مثل دانش آموز **اگر تلاش کند**، پایان سال موفق می شود ~ دانش آموز **اگر تلاش کند** پایان سال موفق نمی شود ۵- وحدت اضافه؛ مضاف الیه موضوع یا محمول باید یکی باشد مثل **چهار نصف هشت است** ~ **چهار نصف هشت نیست** ۶- قوه و فعل؛ دو قضیه باید در قوه و فعل متحد باشند مانند **محمد بالقوه مرده است** ~ **محمد بالقوه مرده نیست** ۷- زمان؛ خورشید در **روز تابناک است** ~ خورشید در **روز تابناک نیست** ۸- کل و جز؛ مانند **همه ایران حاصلخیز است** ~ **همه ایران حاصلخیز نیست**.

نه تنها در منطق، بلکه در علمی که بر اساس منطق شکل گرفته‌اند تناقض در قضایا پذیرفتنی نیست مثلاً در ریاضیات یکی از قالبهای مستعمل «قالب همیشه برقرار» است (قالبهای قانونی منطق) که جمیع نمونه‌های آن پذیرفته و درست است مثلاً:

x ، y است، y ، z است بنابراین x ، z است

یکی از شواهد این قالب می‌باشد و همیشه درست است. در مقابل، قالب دومی هست که «قالب تناقض منطقی» نام دارد، هر نمونه از آن منطقاً دروغ است مثلاً:

x غیر از خودش است

قضیه‌ای متناقض و غیر قابل قبول است. (غلامحسین مصاحب، ۱۳۶۶: ۱۱۷)

۲-۲ تناقض در ادب فارسی

متناقض‌نمادر ادب فارسی معادل پارادکس (Paradox) در ادب غربی است. که از دو جزء para به معنای ضد و خلاف و dox یا doxa به معنی عقیده و نظر است. معادلهای دیگری که برای این اصطلاح در ادب فارسی به کار رفته؛ باطل نما، خلاف آمد، متناقض، تناقض و... است. این اصطلاح ادبی به کلامی گفته می‌شود که به دلیل عدول از هنجار متعارف زبان، متناقض و گاهی مهمل به نظر می‌آید. این عادت شکنی موجب اعجاب و شگفتی مخاطب می‌گردد، ذهنش را لحظه‌ای با مقوله‌ای خلاف عادت و انتظار درگیر می‌کند و او را به جستجوی راز نهفته‌ای وامی‌دارد. کشف این پرده، در نهایت سبب التذاذ خواننده می‌گردد. مثلاً اجتماع «نترس و بترس» در بیت زیر:

گفتا ترسان به از خداوند غلام چون می‌ترسی **مترس و می‌ترس** مدام

(مختارنامه ۸/۱۳۷)

در ظاهر متناقض است اما با کشف پرده متناقض، واقعیت کلامی دو صفت «خوف» و «رجا» برای ذات خداوند آشکار می‌گردد که هیچ‌گونه ناسازگاری با هم ندارند. شایان توجه است که اگر تناقض در منطق عیب است در هنر در اوج تعالی و یکی از شیوه‌های عظیم در بلاغت است و نه تنها در بین قضایا بلکه در میان مفردات هم این خصیصه ادبی مشاهده می‌گردد.

این عادت شکنی‌ها در زبان عطار به سه شیوه صورت گرفته است:

۱-۲-۲ اجتماع ضدین: در این شکل دو ضد باهم اجتماع دارند. این اجتماع گاهی در سطح

ترکیب، آورده می‌شود مانند: **خواجه درویش** (تذکره الاولیا/ ۵۴۳)، **گویای خموش** (اسرارنامه

۱۳۸۸/ ۸۴) بعضی اوقات در سطح مصرع یا عبارت مانند:

آری چو عدم وجود بخش است موجوداتش به جان غلامست

(دیوان/۵۹/۸۱/۶)

چنین پیدا چنین پنهان کجایی

(دیوان/۶۹۰/۸۶۷/۳)

عجب بمانده‌ام از ذرات و صفات تو که از آفتاب هویداتری اگر چه نهانی

(دیوان / ۶۶۲ / ۸۲۶ / ۳)

در پاره ای موارد در سطح یک بیت:

اما همه از گنگی بی کام و زبان مانده

(دیوان / ۵۹۳ / ۷۴۳ / ۹)

فاش از سر هر مویی صد گونه سخن گفته

و گاهی در طول یک غزل آورده شده است:

همه عالم تویی، تو در میان نه

همه دروی گم و ازوی نشان نه

ولیکن راه محو و کاروان نه

چو بوقلمون هویدا و نهان نه

همه چیزی چنین و آن چنان نه

جهان ازوی پرو او در جهان نه

نشسته در میان جان و جان نه

وگر باطن بود مویی عیان نه ...

(دیوان / ۶۰۱ / ۷۵۲)

جهان جمله تویی تو در جهان نه

چه دریایست این دریای پر موج

چه راهست این نه سر پیدا و نه پای

خیالی و سرابی می‌نماید

همه تا بنگری ناچیز گردد

عجب کاریست کار سر معشوق

همه دل پر از او و دل در و محو

اگر ظاهر شود موی جز او نی

۲-۲-۲ ارتفاع دو ضد: در این شیوه که در ساختار ۴ توصیف شده است، دو نقیض از یک موضوع رفع

می شوند مانند:

نه با توام و نه بی توام اینت عجب

پیوسته نشسته می‌روم اینت عجب

(مختارنامه / ۲۶ / ۴)

۳-۲-۲ همشینی متناقض نما: در این مورد دو واژه نقیض هم نیستند بلکه همشینی آنها به گونه ای

صورت می‌گیرد که رابطه بین دو واژه در منطق زبان به هم می‌خورد مثلاً در مثال زیر رابطه لازم و

ملزومی دو واژه به هم خورده است:

سر خود بر قدمت می‌میرم

زنده بی سر از آنم که چو شمع

(دیوان / ۴۴۱ / ۵۴۹ / ۳)

۳- تاریخچه بحث

اگر بخواهیم به طور کلی از حضور متناقض صحبت کنیم می‌توانیم برای آن، سابقه و تاریخی بسیار طولانی یعنی همزمان با خلقت جهان و انسان متصور شویم چرا که در واقع جهان و انسان بر اساس نیروهای متضاد خلق شده‌اند. بالطبع هر کسی مانند شاعر اگر بخواهد واقعیت طبیعت جهان را بیان کند، بدون شک این تناقضها در زبان او نمود می‌یابد.^۱ بنابراین حضور تناقض را در ادب فارسی می‌توان در اولین آثار به جای مانده جستجو کرد با این تفاوت که در برخی از آنها بیشتر و در برخی دیگر به مراتب کمتر مشاهده می‌شود.

اما درباره سابقه متناقض نما در ادب فارسی به عنوان یک اصطلاح ادبی در کتب صناعات شعری، باید قبول کنیم که پیشینه طولانی برای آن نداریم و آشنایی ما با آن از طریق ادب غرب صورت گرفته است، اولین کسی که برای نخستین بار این نوع آرایه ادبی را تحت عنوان «تصویرهای پارادکسی» مطرح کرده، دکتر شفیعی کدکنی است، بعد از ایشان سید محمد راستگو مقاله کوتاهی به نام «خلاف-آمد» درباره متناقض نما نوشت. سومین کسی که در باره متناقض نما سخن رانده است دکتر عبدالکریم سروش است. (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۲۷۵) بعد از این بزرگان دکتر وحیدیان کامیار هم مقاله ای در این زمینه نوشتند و چند رساله نیز به این موضوع اختصاص داده شد (ر.ک www.iran.doc.ac.ir) در میان این پژوهشها، جای عطار خالی بود- البته دکتر حسین وثوقی در مقاله ای با عنوان «ویژگیهای عبارتهای متناقض نما» به بررسی زبانی اکثر متناقض نماهای زبانی در دیوان او پرداخته اند-^۲ بنابراین ما در این پایان نامه متناقض نما را در هشت اثر او بررسی کرده ایم و به بررسی زبانی - متفاوت با دیدگاه دکتر وثوقی - و فکری آنها پرداخته ایم.

جا دارد که در این مبحث میزان آشنایی عطار با اصطلاح تناقض و آگاهی او از تعارضات ذهنی و متناقض نماهای زبانی و فکریش معلوم گردد تا جایگاه او در این تاریخچه روشن گردد. با توجه به تاریخچه ای که برای متناقض نما نوشته‌اند بویژه تأکید دکتر وحیدیان بر این نکته که گذشتگان تناقض را تضاد می‌دانسته‌اند میزان این آگاهی باید کم یا حتی صفر باشد اما با نگاهی به کلام عطار و صراحتی که عطار در آوردن لفظ تناقض دارد همچنین استعمال دقیق و درست در جایگاه خودش، در حکایت زیر آورده است، نه تنها آشنایی عطار با معنی و مفهوم دقیق این واژه مشخص می‌گردد بلکه این حکایت دال بر باور او به تناقض گوییهای عرفانی هم می‌باشد.

- یک نفر در مجلسی از شبلی می‌پرسد:

۱- برای آگاهی از انعکاس این متناقض نماها در زبان عطار ر.ک. به فصل چهارم

۲- ر.ک. مجله علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم، ۱۳۷۴

بگو تا کیست عارف گفت آنست که گر در پیش او هر دو جهانست
 به یک موی مژه برگیرد از جای که عارف آورد هم پیش از این پای
 اما در جواب این سوال در موقعیت دیگری می گوید :

چنین گفت او که عارف ناتوانی که نارد تاب سارخکی زمانی
 همان گونه که مشاهده می گردد شبلی در تعریف عارف ، متناقض نمای « ضعیف قوی » را استعمال
 می کند، پس :

یکی بر جست و گفت ای عالم افروز تو عارف را چنان گفتی فلان روز
 کنون امروز می گوئی چنین تو تناقض می نهی در راه دین تو

با توجه به این حکایت و کاربرد صحیح این واژه، بدون شک این اصطلاح در دوران عطار و - شاید
 شبلی - رایج و مأنوس بوده است بنابراین می توان گفت که اگر این اصطلاح جزء صناعات ادبی سستی
 نیامده است دلیل بر عدم اطلاع گذشتگان^۱ از معنی این واژه نیست بلکه چنانکه در بالا آمد از معنی و
 مفهوم منطقی آن آگاهی داشته اند که آن را در جایگاه صحیح بکار برده اند، فقط به عنوان یک صنعت
 ادبی در علم بلاغت مطرح نشده است.

دلایلی هم هست که ثابت می کند عطار از تعارضات ذهنی خود باخبر بوده است. او در عین متناقض -
 گوییهای خویش، به وفور از واژه « عجب » استفاده می کند که این امر تعجب او را از حضور این متناقض
 نماها می رساند.^۲ همچنین توجیه و کشف واقعیت نهفته در برخی متناقض نماها، نشان دهنده آگاهی او بر
 متناقض گوییهایش می باشد چون می دانسته که این خصیصه باعث ابهام در سخن می گردد یا به عبارتی
 مایه اعجاب خواننده می گردد به همین دلیل در صدد توضیح و کشف این متناقض گوییهایش است، به
 بویژه این کار را از زبان « عقلاء مجانین » به کرات انجام داده است.^۳ در تذکره الاولیاء هنگامی که نقل
 متناقضی مانند « توکل اضطرابی است بی سکون و سکونی بی اضطراب » را می آورد بلافاصله به توجیه آن
 می پردازد (ر.ک. تذکره الاولیا / ۴۶۲).

۴- روش کار

ما بر اساس تعریف متناقض نما در سه مرحله زبانی، فکری و تحلیل متناقض نما، به بررسی این
 ترفند ادبی پرداخته ایم. متناقض نمای زبانی که متضمن روساخت متناقض نماست در فصل دوم بررسی
 شده است. در این مقوله ۳۶۵ متناقض نما در هفت ساختار بر مبنای دستور زبان و منطق طبقه بندی

۱- در تقریرات احمد غزالی هم این لفظ آمده است : شیخ گفت : بارها تو را از جستن تناقض بین آیات الهی نهی کردم که آن نفاق است به خدا

پناه می بریم (احمد غزالی، ۱۳۷۶، ۳۵)

۲- ر.ک به صفحه ۷۵ این نوشته

۳- ر.ک. فصل پنجم « عقلاء مجانین »

شده‌اند، پرداخته شده است. در فصل (۳) برخی از آنها را که ناشی از تفکرات کلامی عطار هستند، بررسی کرده ایم، به این گروه در قالب یک قضیه منطقی متشکل از موضوع و محمول پرداخته ایم. متناقض‌نمای موضوعی، عنوانی برای این متناقض‌نما در گستره شناخت حقیقت خداوند است که متضمن شواهدی مانند « یافتن نیافتن » و « در جستجوی گم نشده » می باشد و متناقض‌نمای محمولی مربوط به اسماء و صفات حق تعالی است که با بررسی برخی از صفات جلال و جمال حق نشان داده شده است. در فصل (۴) گروه دیگری از این متناقض‌نماها را که برخاسته از تفکرات عرفانی هستند، آورده ایم. آنها را زیرمجموعه وحدت وجود آفاقی و انفسی قرار داده ایم. متناقض‌نماهای زبانی مربوط به وحدت آفاقی را در دو مرحله « انحلال کثرات » و « وحدت کثرات » و انفسی را، در سه مقام « انحلال فردیت »، « فنا (خودیابی) » و « بقا » بررسی کرده ایم. سپس عوامل سازنده برخی از آنها را چون « هست نیست »، « زنده مرده »، « کافر مسلمان » و... در اجتماع، اسطوره، کلام و عرفان نشان داده ایم. در فصل (۵) متناقض‌نمای « عقلاء مجانین » را بر اساس دیدگاه عاشقانه و اجتماعی عطار توجیه کرده ایم.

هدف از این بررسی علاوه بر تحلیل و ریشه یابی متناقض‌نما، تعیین میزان تأثیر گذاری زبان و تفکر در ساخت متناقض‌نما هم بوده است. به دلایل متعدد، تفکر نقش اساسی در حضور متناقض‌نما دارد: اولاً همه متناقض‌نماهای زبانی در آثار عطار، نمود یکی از تفکرات او هستند حتی مواردی که بر اساس تشبیه، استعاره، کنایه و... در زبانش ظاهر شده‌اند از تفکرات کلامی، عرفانی و اجتماعی نشأت می‌گیرند^۱ ثانیاً: یک تفکر متناقض در ساختار و اشکال مختلف زبانی به شکل متناقض نمود می‌یابد و این امر بیانگر تأثیر تفکر بر زبان است. به عنوان مثال تفکر متناقض « بقاعد از فنا » در ساختارهای « زندگی از مرگ » (۱/۵)، « فانی باقی » (۳/۳)، « مرگ عین زندگی » (۱-۸/۶)، « کمال زندگی مرگ است » (۲-۶/۶) و... در زبان او ظاهر می‌شود یا تفکر « مرگ در زندگی » که در بیت زیر به زبان ساده و متناقض بیان شده است:

زییم مرگ در زندان فانی بمردم در میان زندگانی
(اسرار نامه ۲۴۱۸/۱۴۲)

هنگامی که در قالب کنایه بیان می‌شود، شکل متناقض‌نمای خود را حفظ می‌کند:

بر عمر من اجل چو سحر شام خورد زان شام آفتاب من اندر سحر گذشت
(دیوان ۹/۱۳۰/۹۹)

علاوه بر اینها، متناقض‌گویی در واقع، تلاشی برای شکستن مرزهای محدود و منطبق زبان است

۱- دکتر وحیدیان کامیار، متناقض‌نمایی را که بر اساس مجاز، تشبیه، کنایه و... به وجود می‌آیند. صرفاً به منظور زیبایی آفرینی دانسته‌اند (تقی وحیدیان کامیار، ۱۳۴۷: ۲۵۸) برای اطلاع بیشتر از این موارد در آثار عطار. که به فصل ششم

-بویژه در تجربیات عرفانی- چرا که فرد سعی می کند متناسب با تجربه و تفکرات خود واژه ها و عبارتهایی بسازد که گاهی سبب ایجاد سبک خاصی می شود. به عبارت دیگر فرد در این تجربیات علیرغم نقشی که زبان در محدودیت تفکر دارد^۱ (محمد رضا باطنی، ۱۳۸۰: ۱۹۲) ورای زبان، تفکر و بالطبع واژه سازی می کند به گونه ای که با تغییر تفکر زبان هم تغییر می یابد. بنابراین در این مورد هم نقش زبان کم رنگ می گردد و تفکر نقش اساسی تری دارد.

۱- دکتر محمد رضا باطنی در باب نقش زبان بر تفکر معتقدند که انسان در قالب تفکر می اندیشد مثلا کسانی که در زبانشان سه رنگ دارند در قالب همین سه رنگ می اندیشند. در مقابل کسانی که هفت رنگ دارند در محدوده وسیع تری تفکر می کنند.

فصل دوم

توصیف
ساختار زبانی
متناقض نما

توصیف ساختار زبانی متناقض نما

بررسی متناقض نما از لحاظ صوری و ارتباط اجزا نشان دهنده ساختار زبانی منسجم عطار است. هفت ساختار زیر، که بر اساس منطق و دستور زبان وضع شده اند، یکی از اشکال این انسجام است.

۱- ساختار ترکیب نقیضین

شالوده ساختار ترکیبات متناقض نما، اجتماع دو واژه متضاد است و در قالب سه زیر ساخت، در کلام عطار مشهود است:

۱-۱. ترکیب اضافه نقیضین با کسره

متناقض نما در این زیر ساخت، از لحاظ دستوری دارای ساخت ترکیب اضافی با کسره است و عموماً در قالب صفت و موصوف آمده است اما گاهی به شکل مضاف و مضاف الیه هم در زبان عطار مشهود است. این ترکیبات، به دو صورت متناقض نما ساخته اند؛ در اکثر این ترکیبات، در جایگاه مضاف و مضاف الیه دو واژه متضاد قرار گرفته و با اجتماع خود، ترکیبی متناقض ساخته اند مثلاً در بیت زیر:

از این دریا که گویای خموش است بتانرا چشم پر در هم جو گوش است

(اسرارنامه / ۱۳۸۷/۸۴)

ترکیب «گویای خموش» که از اضافه شدن واژه «خموش» به «گویا» ساخته شده است متناقض می باشد و در پاره ای از موارد، همنشینی دو واژه، متناقض نماست مانند ترکیب «امام مست» (در شاهد ۱۵) که نشست صفت مست با موصوف امام متناقض به نظر می آید. بنابراین ساختار این شواهد به صورت:

ترکیب اضافی = موصوف یا مضاف + کسره + صفت یا مضاف الیه